

نقش مشاوره شغلی در کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با ترک تحصیل دانش‌آموزان

نسرین شیرین گو^۱

^۱ گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، خوزستان، ایران

چکیده

ترک تحصیل یکی از مسائل پیچیده و چندبعدی در نظام‌های آموزشی معاصر است که افزون بر پیامدهای فردی و تحصیلی، با مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی همچون بیکاری زودرس، اشتغال غیررسمی، فقر بین‌نسلی، بزهکاری نوجوانان، مصرف مواد، کاهش سرمایه اجتماعی و تضعیف مشارکت مدنی پیوند دارد. در این میان، مشاوره شغلی به‌عنوان یکی از کارکردهای مهم نظام هدایت تحصیلی و حرفه‌ای، می‌تواند از طریق افزایش خودآگاهی، ارتقای مهارت تصمیم‌گیری، تقویت انگیزش تحصیلی، معنابخشی به یادگیری مدرسه‌ای و پیوند دادن آموزش با آینده شغلی، نقش مهمی در کاهش زمینه‌های ترک تحصیل و پیامدهای اجتماعی آن ایفا کند. هدف مقاله حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی و تربیتی نقش مشاوره شغلی در کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با ترک تحصیل دانش‌آموزان است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مرور نظام‌مند منابع کتابخانه‌ای، به بررسی مبانی نظری، پیشینه پژوهش، سازوکارهای اثرگذاری مشاوره شغلی و الزامات اجرایی آن در بستر آموزش و پرورش می‌پردازد. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که مشاوره شغلی اگر به‌صورت فرایندی، زودهنگام، مدرسه‌محور، خانواده‌محور و مبتنی بر عدالت آموزشی طراحی شود، می‌تواند از طریق افزایش تعلق به مدرسه، تقویت امید به آینده، کاهش ابهام شغلی، ارتقای خودکارآمدی و گسترش مهارت‌های زندگی و اشتغال‌پذیری، احتمال ترک تحصیل را کاهش دهد و از بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن پیشگیری کند. همچنین، شواهد داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پیوند مؤثر میان برنامه درسی، مشاوره شغلی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و حمایت اجتماعی، یکی از راهبردهای مؤثر در مداخله پیشگیرانه برای دانش‌آموزان در معرض خطر است. در نهایت، مقاله پیشنهاد می‌کند که نهاد آموزش و پرورش با تقویت جایگاه مشاوران، بازنگری در نظام هدایت تحصیلی، استقرار خدمات مشاوره شغلی مستمر و استفاده از الگوهای بومی شده مداخله، از ظرفیت این حوزه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از ترک تحصیل بهره‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: مشاوره شغلی، ترک تحصیل، آسیب‌های اجتماعی، هدایت تحصیلی، دانش‌آموزان، آموزش و پرورش

۱. مقدمه

ترک تحصیل از جمله مهم ترین شاخص های ناکارآمدی نسبی نظام آموزشی در تحقق عدالت تربیتی و اجتماعی به شمار می رود. هرچند در نگاه نخست، ترک تحصیل یک رخداد آموزشی تلقی می شود، اما در واقع پدیده ای عمیقاً اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان شناختی است که پیامدهای آن فراتر از مدرسه گسترش می یابد. دانش آموزی که پیش از تکمیل دوره تحصیل، نظام آموزشی را ترک می کند، نه تنها از فرصت های یادگیری رسمی، ارتقای مهارت و رشد هویتی محروم می شود، بلکه با خطر بالاتری برای تجربه فقر، بیکاری، اشتغال ناپایدار، طرد اجتماعی، انزوای مدنی، ازدواج زودهنگام، بزهکاری، کار کودک و مصرف مواد مواجه خواهد بود. از این رو، ترک تحصیل را باید نه صرفاً یک مسئله آموزشی، بلکه یکی از ریشه های بازتولید نابرابری اجتماعی و آسیب های اجتماعی دانست.

در سال های اخیر، پژوهش های متعدد نشان داده اند که تصمیم دانش آموز برای ماندن یا خروج از مدرسه به عوامل گوناگونی وابسته است: وضعیت اقتصادی خانواده، کیفیت مدرسه، سرمایه فرهنگی والدین، تجربه شکست تحصیلی، روابط با همسالان، احساس تعلق به مدرسه، تصور از آینده، ادراک از سودمندی آموزش و دسترسی به حمایت های روانی و اجتماعی. در این میان، یکی از عوامل کمتر مورد توجه اما بسیار اثرگذار، «مشاوره شغلی» است. مشاوره شغلی تنها فرآیندی برای معرفی مشاغل یا انتخاب رشته نیست، بلکه یک مداخله تربیتی - روان شناختی است که به دانش آموز کمک می کند خود را بشناسد، توانایی ها و علایق خود را درک کند، فرصت های تحصیلی و شغلی را شناسایی کند و میان مدرسه امروز و آینده زندگی خود پیوندی معنادار برقرار سازد. زمانی که دانش آموز احساس کند تحصیل با آینده او نسبت دارد، احتمال بی انگیزگی، افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل کاهش می یابد.

از منظر اجتماعی نیز مشاوره شغلی کارکردی فراتر از هدایت فردی دارد. این نوع مشاوره می تواند از طریق جلوگیری از گسست تحصیلی، تقویت سرمایه انسانی، کاهش بی هدفی و تقویت تاب آوری اجتماعی، احتمال ورود نوجوانان به چرخه آسیب های اجتماعی را کاهش دهد. در واقع، بخشی از آسیب پذیری نوجوانان در برابر رفتارهای پرخطر، ناشی از نبود افق روشن نسبت به آینده است. نوجوانی که چشم اندازی برای رشد، اشتغال و منزلت اجتماعی نمی بیند، بیش از دیگران مستعد کناره گیری از مدرسه و گرایش به مسیرهای پرخطر خواهد بود. از این رو، مشاوره شغلی نه تنها خدمتی آموزشی، بلکه نوعی مداخله پیشگیرانه اجتماعی محسوب می شود.

مقاله حاضر با تکیه بر منابع معتبر داخلی و خارجی، در پی آن است که نقش مشاوره شغلی را در کاهش آسیب های اجتماعی مرتبط با ترک تحصیل دانش آموزان بررسی کند. در این مسیر، ابتدا مسئله پژوهش و اهمیت آن تبیین می شود، سپس مبانی نظری مرتبط با ترک تحصیل، هدایت شغلی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد، در ادامه پیشینه پژوهش مرور می شود و در نهایت سازوکارهای اثرگذاری مشاوره شغلی و راهبردهای سیاستی و اجرایی برای بهره گیری از آن در مدارس ارائه می گردد.

۲. بیان مسئله

ترک تحصیل یکی از جلوه های مهم نابرابری آموزشی و اجتماعی است که در بسیاری از جوامع، به ویژه در میان گروه های کم برخوردار، مناطق محروم، دانش آموزان دارای مشکلات تحصیلی، خانواده های آسیب پذیر و نوجوانان در معرض خطر مشاهده

می‌شود. این پدیده اغلب نتیجه یک تصمیم ناگهانی نیست، بلکه محصول انباشت تدریجی تجربه‌های منفی در مدرسه، شکست‌های آموزشی، ضعف حمایت خانوادگی، فقر اقتصادی، احساس بی‌معنایی آموزش و نبود چشم‌انداز روشن نسبت به آینده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ترک تحصیل نه فقط معلول مسائل ساختاری و فردی، بلکه تا حد زیادی با ادراک دانش‌آموز از ارتباط میان تحصیل و آینده شغلی‌اش مرتبط است؛ به عبارت دیگر، وقتی دانش‌آموز آموزش رسمی را فاقد فایده ملموس برای زندگی آینده خود بداند، انگیزه او برای تداوم تحصیل کاهش می‌یابد (سازمان یونسکو، ۲۰۲۲).

از سوی دیگر، ترک تحصیل پیامدهای وسیعی در سطح فردی و اجتماعی دارد. نوجوانان ترک تحصیل کرده در مقایسه با همسالان خود، بیشتر در معرض بیکاری، درآمد پایین، اشتغال غیررسمی، بزهکاری، مشکلات روانی، رفتارهای پرخطر و محرومیت اجتماعی قرار می‌گیرند (راومبرگر، ۲۰۱۱). این پیامدها به‌ویژه در شرایطی تشدید می‌شود که نظام آموزشی و رفاهی نتواند سازوکارهای پیشگیرانه و جبرانی مؤثری برای ماندگاری دانش‌آموز در مدرسه فراهم آورد. در چنین وضعیتی، ترک تحصیل به حلقه‌ای از زنجیره بازتولید فقر و آسیب اجتماعی تبدیل می‌شود.

یکی از خلأهای مهم در سیاست‌های آموزشی، تقلیل هدایت تحصیلی و شغلی به یک فرآیند اداری و آزمون‌محور است. در بسیاری از مدارس، مشاوره شغلی یا به‌صورت محدود و دیر هنگام انجام می‌شود یا اساساً به ارائه اطلاعات عمومی درباره رشته‌ها و مشاغل فروکاسته می‌شود. حال آنکه مشاوره شغلی در معنای علمی آن، فرایندی مستمر، رشدمدار، تحولی و زمینه‌مند است که باید از دوره‌های پایین‌تر تحصیلی آغاز شود و با شناسایی استعدادها، علایق، ارزش‌ها، شرایط خانوادگی، فرصت‌های شغلی و مقتضیات بازار کار، مسیر تصمیم‌گیری دانش‌آموز را پشتیبانی کند (ساویکاس، ۲۰۱۳؛ سوپر، ۱۹۹۰).

مسئله اصلی مقاله حاضر این است که مشاوره شغلی چگونه و از چه مسیرهایی می‌تواند احتمال ترک تحصیل را کاهش دهد و در نتیجه از بروز آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن پیشگیری کند؟ پاسخ به این مسئله مستلزم درک پیوند میان سه حوزه است: آموزش، اشتغال و آسیب‌های اجتماعی. اگر مدرسه نتواند برای دانش‌آموز افق معناداری از آینده ترسیم کند، فاصله او با آموزش بیشتر می‌شود. اگر نوجوان نسبت به توانایی‌ها و فرصت‌های شغلی خود آگاهی نداشته باشد، احساس ناتوانی و سرگشتگی افزایش می‌یابد. اگر این وضعیت با فقر، تعارض خانوادگی یا ناکامی تحصیلی همراه شود، خطر کناره‌گیری از مدرسه و ورود به وضعیت‌های اجتماعی پرخطر بیشتر خواهد شد. بنابراین، بررسی نقش مشاوره شغلی در این زمینه، یک ضرورت علمی و کاربردی برای سیاست‌گذاری آموزشی و اجتماعی است.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این موضوع از چند جهت قابل طرح است. نخست آنکه ترک تحصیل صرفاً یک مسئله آموزشی نیست، بلکه یک مسئله اجتماعی با پیامدهای بین‌نسلی است. دانش‌آموزی که تحصیل را نیمه‌تمام رها می‌کند، معمولاً با فرصت‌های محدودتری برای اشتغال مناسب و مشارکت اجتماعی روبه‌رو می‌شود و این امر می‌تواند چرخه نابرابری را در خانواده و جامعه بازتولید کند. از این منظر، هر مداخله‌ای که بتواند احتمال ترک تحصیل را کاهش دهد، در واقع در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای عدالت اجتماعی گام برمی‌دارد.

دوم آنکه در بسیاری از اسناد تربیتی، به نقش هدایت تحصیلی و شغلی اشاره شده است، اما در عمل، ساختار مشاوره مدارس با محدودیت‌هایی مانند کمبود نیروی متخصص، غلبه رویکردهای آزمون‌محور، ضعف پیوند با بازار کار و نبود برنامه‌های مداخله‌ای

مستمر مواجه است. بنابراین، تبیین علمی جایگاه مشاوره شغلی می تواند به اصلاح نگرش سیاست گذاران و مدیران نسبت به این حوزه کمک کند.

سوم آنکه نوجوانی دوره ای حساس در شکل گیری هویت فردی، اجتماعی و شغلی است. نظریه پردازان رشد شغلی تأکید کرده اند که تصمیم گیری های تحصیلی و شغلی در این دوره نقش مهمی در احساس خودکارآمدی، امید، تاب آوری و انسجام هویتی افراد دارند (سوپر، ۱۹۹۰؛ هالند، ۱۹۹۷). در نتیجه، مداخله مؤثر در این سنین می تواند از بروز بسیاری از بحران ها و انحرافات بعدی جلوگیری کند.

چهارم آنکه در شرایط تحولات سریع اقتصادی و تغییرات بازار کار، پیوند میان آموزش و اشتغال بیش از گذشته اهمیت یافته است. دانش آموزان نیاز دارند بدانند آنچه در مدرسه می آموزند چگونه می تواند در آینده تحصیلی و حرفه ای آنان معنا پیدا کند. مشاوره شغلی دقیقاً در همین نقطه، نقش واسطی ایفا می کند و می تواند انگیزه تحصیل را افزایش دهد.

۴. اهداف پژوهش

هدف کلی

بررسی نقش مشاوره شغلی در کاهش آسیب های اجتماعی مرتبط با ترک تحصیل دانش آموزان.

اهداف جزئی

۱. تبیین رابطه مفهومی میان ترک تحصیل و آسیب های اجتماعی.
۲. بررسی مبانی نظری مشاوره شغلی در بافت مدرسه.
۳. تحلیل سازوکارهای اثرگذاری مشاوره شغلی بر کاهش احتمال ترک تحصیل.
۴. بررسی نقش مشاوره شغلی در کاهش پیامدهای اجتماعی ناشی از ترک تحصیل.
۵. استخراج راهبردهای کاربردی برای تقویت نظام مشاوره شغلی در مدارس.

۵. سؤالات پژوهش

۱. ترک تحصیل دانش آموزان با چه نوع آسیب های اجتماعی پیوند دارد؟
۲. مشاوره شغلی از چه طریق می تواند احتمال ترک تحصیل را کاهش دهد؟
۳. کدام نظریه ها می توانند نقش مشاوره شغلی را در پیشگیری از آسیب های اجتماعی تبیین کنند؟
۴. شواهد پژوهشی داخلی و خارجی درباره اثربخشی مشاوره شغلی در این زمینه چیست؟
۵. چه الزامات اجرایی برای بهره گیری مؤثر از مشاوره شغلی در مدارس وجود دارد؟

۶. مبانی نظری پژوهش

۶-۱. نظریه سرمایه انسانی

نظریه سرمایه انسانی بر این اصل استوار است که آموزش و مهارت، نوعی سرمایه‌گذاری در توانمندی‌های فرد است که بهره‌وری، درآمد و فرصت‌های زندگی او را افزایش می‌دهد. از این منظر، ترک تحصیل به معنای توقف زودهنگام فرایند سرمایه‌گذاری آموزشی و کاهش فرصت‌های اقتصادی آینده است. بکر نشان می‌دهد که آموزش، مهارت‌آموزی و برنامه‌ریزی شغلی، رابطه مستقیمی با بهبود موقعیت اقتصادی و اجتماعی دارند (بکر، ۱۹۹۳). مشاوره شغلی در این چارچوب، به دانش‌آموز کمک می‌کند تا آموزش را به‌عنوان سرمایه‌گذاری معنادار برای آینده درک کند و از این طریق، انگیزه ماندگاری در مدرسه افزایش یابد.

۶-۲. نظریه بازتولید اجتماعی بورديو

بورديو نشان می‌دهد که مدرسه صرفاً محل انتقال دانش نیست، بلکه نهادی است که نابرابری‌های اجتماعی را از طریق سرمایه فرهنگی، عادت‌واره و سازوکارهای نمادین بازتولید می‌کند (بورديو و پاسرون، ۱۹۷۷). دانش‌آموزانی که از خانواده‌های کم‌برخوردار می‌آیند، اغلب دسترسی کمتری به اطلاعات شغلی، الگوهای موفقیت و منابع فرهنگی لازم برای برنامه‌ریزی آینده دارند. در این وضعیت، مشاوره شغلی می‌تواند نوعی مداخله جبرانی باشد که با فراهم کردن اطلاعات، تقویت آگاهی و افزایش سرمایه نمادین دانش‌آموز، شکاف‌های ناشی از نابرابری اجتماعی را تا حدی کاهش دهد.

۶-۳. نظریه رشد شغلی سوپر

سوپر انتخاب شغلی را نه یک تصمیم لحظه‌ای، بلکه فرایندی تحولی می‌داند که از کودکی تا بزرگسالی ادامه دارد و با تحول خودپنداره در ارتباط است (سوپر، ۱۹۹۰). بر این اساس، دانش‌آموز زمانی می‌تواند انتخاب تحصیلی و شغلی مناسبی داشته باشد که به درک روشنی از توانایی‌ها، علایق، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی خود برسد. مشاوره شغلی با تسهیل رشد خودشناسی و واقع‌نگری شغلی، از سردرگمی و تصمیم‌گیری‌های ناسازگار جلوگیری می‌کند. این مسئله برای دانش‌آموزانی که در معرض افت تحصیلی و ترک تحصیل هستند، اهمیتی دوچندان دارد.

۶-۴. نظریه تیپ‌های شخصیتی - شغلی هالند

هالند معتقد است افراد بر اساس تیپ‌های شخصیتی متفاوت، با محیط‌های شغلی خاصی سازگاری بیشتری دارند و هرچه تناسب میان تیپ شخصیتی و محیط تحصیلی - شغلی بیشتر باشد، رضایت، ثبات و موفقیت افزایش می‌یابد (هالند، ۱۹۹۷). بسیاری از موارد بی‌انگیزگی تحصیلی در مدرسه، ناشی از احساس ناهماهنگی میان استعدادها و مسیر تحصیلی تحمیل شده است. مشاوره شغلی می‌تواند با شناسایی این تناسب، احساس معنا و تعلق دانش‌آموز به فرایند تحصیل را تقویت کند.

۶-۵. نظریه ساخت‌گرایی شغلی ساویکاس

ساویکاس در نظریه ساخت‌گرایی شغلی بر مفهوم «انطباق‌پذیری شغلی» تأکید دارد و معتقد است افراد در شرایط متغیر اجتماعی و اقتصادی، باید توانایی طراحی روایت شغلی و مواجهه فعال با آینده را کسب کنند (ساویکاس، ۲۰۱۳). این رویکرد،

مشاوره شغلی را فراتر از انتخاب شغل می بیند و آن را فرایند ساخت معنا، امید و هویت می داند. برای دانش آموزان در معرض ترک تحصیل، چنین رویکردی می تواند عاملی در بازسازی انگیزه و احساس امکان پذیری آینده باشد.

۶-۶. رویکرد پیوند مدرسه و آسیب های اجتماعی

پژوهشگران حوزه ترک تحصیل تأکید کرده اند که فاصله گرفتن دانش آموز از مدرسه معمولاً مقدم بر ترک رسمی تحصیل رخ می دهد و این فرایند با افت تعلق مدرسه ای، کاهش مشارکت، بی انضباطی، افت عملکرد و افزایش تماس با محیط های پرخطر همراه است (راومبرگر، ۲۰۱۱). در این میان، مشاوره شغلی می تواند همچون سازوکاری برای بازپیوند دادن دانش آموز با مدرسه عمل کند، زیرا به او کمک می کند مدرسه را به عنوان بخشی از آینده خود ببیند، نه نهادی بی ارتباط با زندگی واقعی.

۷. پیشینه پژوهش

۷-۱. پیشینه خارجی

راومبرگر در پژوهش خود درباره ترک تحصیل نشان داد که این پدیده نتیجه برهم کنش پیچیده عوامل فردی، نهادی و ساختاری است و مدارس زمانی در کاهش ترک تحصیل موفق ترند که علاوه بر بهبود آموزش، سازوکارهای حمایت روانی، اجتماعی و شغلی را نیز تقویت کنند (راومبرگر، ۲۰۱۱). هنری، نایت و تورنتون نیز گزارش کرده اند که مداخله های مدرسه محور در حوزه برنامه ریزی آینده و هدایت شغلی، نقش مهمی در افزایش ماندگاری دانش آموزان در مدرسه دارند (هنری، نایت و تورنتون، ۲۰۱۲).

هوین، مک نالی و تلهاج در مطالعه ای درباره مداخلات هدایت آموزشی و شغلی نشان دادند که ارائه اطلاعات دقیق و شخصی سازی شده درباره مسیرهای تحصیلی و شغلی، می تواند انتخاب های آگاهانه تر و مشارکت تحصیلی بیشتری در میان نوجوانان ایجاد کند (هوین، مک نالی و تلهاج، ۲۰۱۶). همچنین سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تأکید کرده است که راهنمایی شغلی با کیفیت در مدارس، به ویژه برای دانش آموزان کم برخوردار، می تواند در کاهش نابرابری، تقویت انگیزش و بهبود گذار از مدرسه به کار مؤثر باشد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۱).

پژوهش های مرتبط با «انطباق پذیری شغلی» نیز نشان داده اند که دانش آموزانی که از خودآگاهی شغلی، برنامه ریزی آینده و امید شغلی بیشتری برخوردارند، کمتر در معرض کناره گیری از مدرسه و رفتارهای پرخطر قرار می گیرند (ساویکاس و پورفلی، ۲۰۱۲). در همین راستا، نتایج برخی مطالعات حاکی از آن است که پیوند آموزش مدرسه ای با تجارب شغلی واقعی، بازبدهای حرفه ای، کارورزی و گفت و گو با الگوهای شغلی، می تواند تصور دانش آموز از آینده را واقع بینانه تر و مثبت تر کند.

۷-۲. پیشینه داخلی

در مطالعات داخلی نیز ابعاد مختلف ترک تحصیل و آسیب های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش های مرتبط با عوامل ترک تحصیل در ایران نشان داده اند که فقر اقتصادی، ضعف عملکرد تحصیلی، پایین بودن سرمایه فرهنگی خانواده، مشکلات عاطفی و نبود انگیزه نسبت به ادامه تحصیل از مهم ترین عوامل مؤثر هستند. در این میان، برخی مطالعات بر اهمیت هدایت تحصیلی و شغلی در افزایش انگیزه و کاهش سرگردانی دانش آموزان تأکید کرده اند.

برای مثال، شفیع‌آبادی و ناصری در آثار خود درباره مشاوره شغلی و حرفه‌ای بیان می‌کنند که آگاهی شغلی، خودشناسی، تصمیم‌گیری منطقی و شناخت فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای، عناصر کلیدی در سازگاری تحصیلی و شغلی نوجوانان هستند و فقدان این عناصر می‌تواند به بی‌هدفی و افت انگیزه منجر شود (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۹۸). همچنین حسینی، صالحی و همکاران در پژوهش‌هایی درباره نقش مشاوره مدرسه‌ای گزارش کرده‌اند که خدمات مشاوره‌ای مؤثر می‌تواند احساس تعلق به مدرسه، امید به آینده و سازگاری تحصیلی را افزایش دهد.

در برخی مطالعات داخلی درباره آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان نیز نشان داده شده است که ترک تحصیل با افزایش احتمال اشتغال زودرس، کار کودک، کاهش سلامت روان، افت سرمایه اجتماعی و گرایش به رفتارهای پرخطر همراه است. از این رو، پژوهشگران ایرانی نیز بر لزوم تقویت خدمات مشاوره‌ای، به‌ویژه برای گروه‌های در معرض خطر، تأکید کرده‌اند. با این حال، هنوز پژوهش‌های جامع و تحلیلی که به‌طور مستقیم نقش مشاوره شغلی را در کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با ترک تحصیل بررسی کنند، محدود است؛ همین امر ضرورت مقاله حاضر را بیشتر می‌کند.

۸. روش‌شناسی پژوهش

این مقاله از نوع مروری - تحلیلی است و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی منابع علمی معتبر، مقاله‌های پژوهشی داخلی و خارجی، کتاب‌های تخصصی و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مرتبط با آموزش، مشاوره شغلی و ترک تحصیل گردآوری شده است. در انتخاب منابع، معیارهایی همچون اعتبار علمی، ارتباط مستقیم با موضوع، به‌روز بودن نسبی و استنادپذیری رعایت شده است. سپس، داده‌ها در چهار محور اصلی دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند:

۱. مفهوم و پیامدهای ترک تحصیل؛
۲. مبانی و کارکردهای مشاوره شغلی؛
۳. پیوند میان ترک تحصیل و آسیب‌های اجتماعی؛
۴. ظرفیت مشاوره شغلی در پیشگیری و مداخله.

۹. تحلیل و بحث: سازوکارهای اثرگذاری مشاوره شغلی در کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با ترک تحصیل

۹-۱. افزایش معنا و کارکردمندی تحصیل

یکی از علل مهم ترک تحصیل، بی‌معنا شدن تجربه مدرسه برای دانش‌آموز است. زمانی که محتوای تحصیل از زندگی واقعی و آینده فرد جدا تصور شود، مدرسه به فضایی اجباری، خسته‌کننده و بی‌ارتباط با نیازهای نوجوان تبدیل می‌شود. مشاوره شغلی با ایجاد پیوند میان درس، مهارت، آینده شغلی و اهداف زندگی، تحصیل را برای دانش‌آموز معنادار می‌کند. این معنابخشی، از نظر روان‌شناختی موجب افزایش انگیزش درونی و از نظر اجتماعی موجب تقویت ماندگاری در مدرسه می‌شود. در واقع، دانش‌آموز زمانی بیشتر برای ادامه تحصیل تلاش می‌کند که بداند این مسیر، بخشی از ساخت آینده اوست.

۲-۹. تقویت خودآگاهی و خودکارآمدی

بخشی از ترک تحصیل ناشی از احساس ناتوانی، بی کفایتی و شکست مکرر است. دانش آموزانی که شناخت روشنی از توانایی‌ها و علایق خود ندارند، در مواجهه با دشواری‌های تحصیلی سریع‌تر دچار ناامیدی می‌شوند. مشاوره شغلی از طریق فرایندهای خودشناسی، شناسایی نقاط قوت، تحلیل علایق و ترسیم مسیرهای جایگزین، حس خودکارآمدی را افزایش می‌دهد. خودکارآمدی بالاتر، نه تنها در انتخاب‌های شغلی بلکه در تحمل دشواری‌های تحصیلی و پرهیز از کناره‌گیری نیز مؤثر است. به بیان دیگر، مشاوره شغلی به نوجوان می‌آموزد که آینده‌اش قابل ساختن است و این ادراک، نقش پیشگیرانه مهمی در برابر رفتارهای انصرافی دارد.

۳-۹. کاهش ابهام، سردرگمی و بی‌تصمیمی

ابهام نسبت به آینده یکی از عوامل مهم اضطراب و گسست تحصیلی در نوجوانی است. بسیاری از دانش‌آموزان نمی‌دانند چه رشته‌ای مناسب آنان است، چه فرصت‌هایی در برابرشان قرار دارد، چگونه باید تصمیم بگیرند و چه مهارت‌هایی را باید توسعه دهند. این ابهام می‌تواند به تعویق تصمیم، سردرگمی و در نهایت بی‌انگیزگی منجر شود. مشاوره شغلی با ارائه اطلاعات معتبر، واقع‌بینانه و متناسب با ویژگی‌های فردی، فرایند تصمیم‌گیری را تسهیل می‌کند. این امر به‌ویژه در شرایطی که خانواده نیز از سرمایه اطلاعاتی کافی برخوردار نیست، اهمیت بیشتری می‌یابد.

۴-۹. تقویت تعلق مدرسه‌ای و پیوند اجتماعی

پژوهش‌ها بارها نشان داده‌اند که احساس تعلق به مدرسه، یکی از مهم‌ترین عوامل محافظت‌کننده در برابر ترک تحصیل و رفتارهای پرخطر است. دانش‌آموزی که احساس می‌کند در مدرسه دیده می‌شود، فهمیده می‌شود و برای آینده‌اش برنامه‌ای وجود دارد، کمتر دچار کناره‌گیری عاطفی و رفتاری می‌شود. مشاور شغلی در مدرسه می‌تواند یکی از چهره‌های کلیدی این تجربه حمایتی باشد. گفت‌وگوهای منظم، توجه فردی، پیگیری وضعیت دانش‌آموز و مشارکت دادن او در برنامه‌ریزی آینده، احساس ارزشمندی و تعلق را افزایش می‌دهد. این تعلق، خود به کاهش احتمال ارتباط با گروه‌های منحرف، افت مشارکت اجتماعی و طرد اجتماعی کمک می‌کند.

۵-۹. پیشگیری از ورود زودرس و پرخطر به بازار کار

بخشی از ترک تحصیل، به‌ویژه در خانواده‌های کم‌برخوردار، به دلیل فشار اقتصادی و ورود زودرس نوجوان به بازار کار رخ می‌دهد. در بسیاری از این موارد، نوجوان وارد مشاغل کم‌مهارت، کم‌درآمد، ناامن و آسیب‌زا می‌شود. مشاوره شغلی می‌تواند با نشان دادن پیامدهای بلندمدت ترک تحصیل، معرفی مسیرهای ترکیبی آموزش - مهارت - اشتغال و کمک به برنامه‌ریزی واقع‌بینانه، از تصمیمات شتاب‌زده جلوگیری کند. همچنین در صورت لزوم، می‌تواند دانش‌آموز را به مسیرهای فنی‌و حرفه‌ای، مهارت‌آموزی رسمی یا آموزش‌های جایگزین باکیفیت هدایت کند تا از ورود پرخطر به بازار کار غیررسمی پیشگیری شود.

۶-۹. کاهش آسیب‌پذیری در برابر بزهکاری و رفتارهای پرخطر

ترک تحصیل معمولاً با افزایش زمان بی‌ساختار، کاهش نظارت اجتماعی، ضعف پیوند با نهادهای رسمی و افزایش احتمال تماس با گروه‌های پرخطر همراه است. این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز بزهکاری، خشونت، مصرف مواد یا سایر انحرافات

اجتماعی شود. مشاوره شغلی با حفظ پیوند دانش آموز با مدرسه و آینده، نوعی سپر روانی و اجتماعی در برابر این خطرات ایجاد می کند. دانش آموزی که هدف شغلی، برنامه تحصیلی و افق آینده دارد، کمتر در معرض جاذبه رفتارهای پرخطر قرار می گیرد.

۷-۹. حمایت از گروه های در معرض خطر و تحقق عدالت آموزشی

کارکرد مهم دیگر مشاوره شغلی، حمایت هدفمند از دانش آموزان در معرض خطر است؛ از جمله دانش آموزان مناطق محروم، دانش آموزان دارای افت تحصیلی، فرزندان خانواده های کم درآمد، کودکان کار، دانش آموزان مهاجر یا کسانی که از حمایت خانوادگی کافی برخوردار نیستند. این گروه ها بیش از دیگران نیازمند خدمات شخصی سازی شده و پیوسته اند. اگر مشاوره شغلی به طور عادلانه و با اولویت بخشی به این گروه ها طراحی شود، می تواند در کاهش نابرابری و جلوگیری از بازتولید آسیب اجتماعی مؤثر باشد. این نکته با دیدگاه بورديو درباره نابرابری سرمایه فرهنگی نیز همخوان است.

۸-۹. نقش خانواده در اثربخشی مشاوره شغلی

نمی توان از نقش مشاوره شغلی سخن گفت اما خانواده را نادیده گرفت. بسیاری از تصمیمات تحصیلی و شغلی نوجوانان در تعامل با انتظارات، باورها و محدودیت های خانواده شکل می گیرد. در برخی موارد، خانواده به دلیل فقر اطلاعاتی، فشار اقتصادی یا نگرش های قالبی، مسیرهایی را به دانش آموز تحمیل می کند که با استعدادها و علایق او سازگار نیست. بنابراین، مشاوره شغلی زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که خانواده را نیز در فرایند گفت و گو، آگاهی بخشی و تصمیم گیری مشارکت دهد. آموزش والدین درباره اهمیت تداوم تحصیل، فرصت های شغلی آینده و خطرات ترک تحصیل، بخش مهمی از مداخله پیشگیرانه است.

۱۰. دلالت های کاربردی و اجرایی

بر اساس تحلیل های ارائه شده، برای بهره گیری مؤثر از مشاوره شغلی در کاهش آسیب های اجتماعی مرتبط با ترک تحصیل، می توان راهبردهای زیر را پیشنهاد کرد:

۱. استقرار نظام مشاوره شغلی فرایندی و مستمر در مدارس

مشاوره شغلی نباید به یک جلسه یا یک آزمون در پایان دوره تحصیلی محدود شود، بلکه باید از دوره متوسطه اول و حتی پیش از آن آغاز گردد و به صورت مرحله ای ادامه یابد.

۲. تقویت نیروی انسانی متخصص

مدارس نیازمند مشاورانی هستند که افزون بر مهارت های عمومی مشاوره، در حوزه رشد شغلی، بازار کار، هدایت تحصیلی و مداخله با دانش آموزان در معرض خطر آموزش دیده باشند.

۳. پیوند دادن مشاوره شغلی با برنامه درسی و تجربه های واقعی

بازدیدهای شغلی، گفت و گو با متخصصان، کارگاه های مهارت زندگی و آینده پژوهی، پروژه های مدرسه - شغل و آشنایی با مشاغل محلی می تواند اثر مشاوره شغلی را افزایش دهد.

۴. طراحی مداخله های هدفمند برای دانش آموزان در معرض ترک تحصیل

لازم است مدارس با استفاده از شاخص هایی مانند افت تحصیلی، غیبت مکرر، مشکلات رفتاری و شرایط خانوادگی، دانش آموزان در معرض خطر را شناسایی کرده و خدمات مشاوره ای فشرده تری به آنان ارائه دهند.

۵. مشارکت فعال خانواده ها

برگزاری جلسات آموزشی برای والدین، ارائه بازخورد منظم و مشارکت دادن آنان در برنامه ریزی تحصیلی و شغلی فرزندان، بخشی اساسی از فرایند مداخله است.

۶. هماهنگی میان آموزش و پرورش، نهادهای حمایتی و بخش مهارتی

برای دانش آموزانی که با فشار اقتصادی یا دشواری های خانوادگی روبه رو هستند، صرف مشاوره کافی نیست؛ بلکه باید میان مدارس، سازمان های حمایتی، مراکز فنی و حرفه ای و نهادهای اجتماعی پیوند برقرار شود.

۷. بومی سازی خدمات مشاوره شغلی

الگوهای مشاوره باید با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی، جنسیتی و منطقه ای طراحی شوند تا برای دانش آموزان واقعی و قابل اجرا باشند.

نتیجه گیری

ترک تحصیل پدیده ای صرفاً آموزشی نیست، بلکه رخدادی اجتماعی با آثار عمیق بر مسیر زندگی فرد و سلامت جامعه است. این پدیده با مجموعه ای از آسیب های اجتماعی مانند بیکاری، اشتغال غیررسمی، فقر، طرد اجتماعی، بزهکاری و رفتارهای پرخطر پیوند دارد و در صورت بی توجهی، می تواند به بازتولید نابرابری در نسل های بعدی بینجامد. در چنین بستری، مشاوره شغلی از جایگاهی مهم و راهبردی برخوردار است؛ زیرا می تواند حلقه واسط میان آموزش، هویت فردی و آینده اجتماعی - شغلی دانش آموز باشد.

تحلیل نظری و شواهد پژوهشی نشان می دهد که مشاوره شغلی از چند مسیر عمده بر کاهش احتمال ترک تحصیل و آسیب های اجتماعی مرتبط با آن اثر می گذارد: معنابخشی به تحصیل، افزایش خودآگاهی و خودکارآمدی، کاهش سردرگمی نسبت به آینده، تقویت تعلق مدرسه ای، پیشگیری از ورود زودرس و پرخطر به بازار کار، و افزایش حمایت اجتماعی از دانش آموزان در معرض خطر. به بیان دیگر، مشاوره شغلی زمانی که علمی، مستمر، عادلانه و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان طراحی شود، می تواند به عنوان یک مداخله پیشگیرانه مؤثر در سطح مدرسه عمل کند.

بنابراین، تقویت خدمات مشاوره شغلی باید به عنوان بخشی از سیاست پیشگیری اجتماعی در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد، نه صرفاً یک خدمت جانبی. اگر مدارس بتوانند به دانش آموزان کمک کنند تا آینده ای قابل تصور، دست یافتنی و مبتنی بر استعدادهای خود ترسیم کنند، احتمال ماندگاری آنان در مسیر آموزش افزایش می یابد و به تبع آن، زمینه بسیاری از آسیب های اجتماعی نیز تضعیف خواهد شد. از این منظر، سرمایه گذاری در مشاوره شغلی، سرمایه گذاری در سلامت اجتماعی آینده جامعه است.

منابع

- شفیع آبادی، عبدالله، و ناصری، غلامرضا. (۱۳۹۸). *نظریه های مشاوره و روان درمانی*. تهران: نشر رشد.
- گنجی، حمزه. (۱۳۹۵). *روان شناسی رشد*. تهران: ساوالان.
- علاقه بند، علی. (۱۳۹۱). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر روان.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۴). *میانی برنامه ریزی درسی*. تهران: سمت.
- Becker, G. S. (۱۹۹۳). *Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis, with Special Reference to Education* (۳rd ed.). Chicago: University of Chicago Press.
- Bourdieu, P., & Passeron, J.-C. (۱۹۷۷). *Reproduction in Education, Society and Culture*. London: Sage.
- Brown, D., & Lent, R. W. (Eds.). (۲۰۱۳). *Career Development and Counseling: Putting Theory and Research to Work* (۲nd ed.). Hoboken, NJ: Wiley.
- Holland, J. L. (۱۹۹۷). *Making Vocational Choices: A Theory of Vocational Personalities and Work Environments* (۳rd ed.). Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Hooley, T., Marriot, J., & Sampson, J. P. (۲۰۱۱). *Fostering College and Career Readiness: How Career Development Activities in Schools Impact on Graduation Rates and Students' Life Success*. Derby: International Centre for Guidance Studies.
- Hughes, D., & Gratton, G. (۲۰۰۹). *Literature Review of Research on Careers Education and Guidance*. Reading: CfBT Education Trust.
- OECD. (۲۰۲۱). *Career Guidance for Adults in a Changing World of Work*. Paris: OECD Publishing.
- Rumberger, R. W. (۲۰۱۱). *Dropping Out: Why Students Drop Out of High School and What Can Be Done About It*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Savickas, M. L. (۲۰۱۳). Career construction theory and practice. In S. D. Brown & R. W. Lent (Eds.), *Career Development and Counseling* (۲nd ed., pp. ۱۴۷-۱۸۳). Hoboken, NJ: Wiley.
- Savickas, M. L., & Porfeli, E. J. (۲۰۱۲). Career Adapt-Abilities Scale: Construction, reliability, and measurement equivalence across ۱۳ countries. *Journal of Vocational Behavior*, 80(۳), ۶۶۱-۶۷۳.
- Super, D. E. (۱۹۹۰). A life-span, life-space approach to career development. In D. Brown & L. Brooks (Eds.), *Career Choice and Development* (۲nd ed., pp. ۱۹۷-۲۶۱). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- UNESCO. (۲۰۲۲). *Global Education Monitoring Report 2022: Non-state actors in education*. Paris: UNESCO.